



۲۰۱۷/۰۷/۰۲

صلاح الدین سعیدی

## ائتلاف های سیاسی و ما

حتمی نیست ائتلاف [ائتلاف] های سیاسی را با پیشداوری ها به هر قیمت مردود شمرد!

حزب، سازمان سیاسی، ائتلافها [ائتلاف ها]، اتحاد های سیاسی و ادغام احزاب و سازمانهای سیاسی و مدنی در دیموکراسی ضرورت اند و بدون آن دیموکراسی می لنگد. اما این تشکلات اگر شکلی و پروژوی باشند، محتوی درست نداشته و تحت نظر حاکمیت قانون نباشند و قوانین در مورد تطبیق نه شوند، همان میشود که این تشکلات روپوش تخلفات و جنایات، مبتدل و مردود مافیایی شده و به همین علت هم بعضی مردم از نام احزاب، سازمانها و ائتلاف [ائتلاف] های شان و حتی دیموکراسی و آزادی نفرت دارند، آنرا [آن را] شر و فساد میدانند.

برای مردم جالب و حق ملت است که بدانند که این ائتلاف ائتلاف [ائتلاف] بر کدام برنامه نجات ملت است؟ مردم [مردم] حق دارد [دارند] بدانند که اینها متعهد به حاکمیت قانون اند.

اگر حزب و سازمان سیاسی و ائتلاف [ائتلاف] برنامه محور، سرتاسری نباشد و اعضای آن قومی و سمتی باشند و در آن عوض نسخه و برنامه وسیله حفظ حاکمیت مافیایی ماورای قانون باشد و حاکمیت توان تطبیق قانون را بر آنها اعمال کرده نتواند، این حالت است که مردم ساختارهای تاریخ زده و حتی دیکتاتوری های فردی و شاهی را بهتر میدانند. این حالت است که مردم به همچو ائتلاف [ائتلاف] های شر و فساد می بینند.

از طرف دیگر نسخه ها و راهای [راه های] حل مسایل [مسائل] و معضلات مطرح کشور و جامعه باو (با) وجود تمام تفاوت های سلیقوی از پنج شش بیشتر بوده نمی تواند که درین صورت تعداد احزاب و سازمانهای موجود سیاسی در افغانستان غیر نورمال و غیر طبیعی بیشتر از آن بوده که باید باشند.

لذا ضرورت به اتحاد، ائتلاف [ائتلاف] و ادغام بر اساس برنامه [برنامه] محوری دارند. این پروسه نباید از بالا بلکی [بلکه] از پایین [پائین] و بالا مشترکاً اعمال گردد.

این توافقات نباید توافقات مافیایی خلاف قانون باشند، بلکی [بلکه] برنامه محور، شفاف بوده، ملت در جریان محتوی آن باشد و در نهایت امر میتواند حتی به ادغام این سازمانهای سیاسی به شکل طبیعی بیانجامد.

این یک حالت مطلوب و درست خواهد بود.

اما چیزی که اخلاقاً و قانوناً قابل قبول نیست و باید روشن شود که یک حزب، شخص، و حلقه سیاسی هم در قدرت و امتیاز سیاسی در حاکمیت است و هم علیه آن اتحاد و ائتلاف [ائتلاف] تشکیل میدهد.

استدلال اینکه این ائتلاف [ائتلاف] تلاش برای نجات است باید گفت که این منطق به خاطر [به خاطری] درست نیست که ملت چنین برنامه را از ایشان در اختیار ندارد، بلکی [بلکه] برعکس تحدید به نظام براندازی و تظاهرات میلیونی و قرار تجارب عملی حرکات لندگری [؟؟] همراه صورت می گیرد. نسخه و برنامه نجات بدهید، با حاکمیت (باخود که حاکمیت اید) شریک کند و در صورت موانع آنرا با ملت شریک ساخته و در صورت عدم موفقیت از حاکمیت بیرون شوید. اما هر دو بودن حد اقل شرم و فریب و عمل خلاف دولرداری است.

مثال می آوریم: ما منطق سخن و دولرداری درست نیروهای امنیتی قوی، مسلکی، متعهد وفادار به قانون و مطیع قانون وفادار به ملت و منافع آن و نیروهای غیر حزبی و غیر سیاسی را درست و قابل قبول می دانیم و است. اما تلاش های اخیر قرار تمام شواهد، برای سیاسی شدن بیشتر و بیشتر نیروهای امنیتی، میرهن اند. حالت هم وجود دارد که سرپای نیرو های امنیتی را یک گروه تصاحب کرده و عملاً در آن حضور دارند و یا یک جانب در نیروهای امنیتی وجود دارند و حال مانع حضور آن دیگر میشوند.

به گمان اغلب و قرار تمام شواهد تحقق بخص [؟؟] از برنامه های مصالحه سیاسی تب و دستپاچگی مفرط را در بعضی از حلقات و افراد ایجاد کرده و با تمام نیرو و فتنه تحقق این برنامه شده و موجب دستپاچگی [دستپاچگی]، سبب وارخطایی عده دیگر شده و حتی زوال خود را در حاکمیت ملت و تحقق مصالحه سیاسی می بینند.

ما و منطق سلیم، تجربه چند دهه اخیر خطاء بودن منطق حذف را نشان داد و ضرورت است که در ستیج سیاسی باید تمام نیروهای واقعی سیاسی کشور از راه های مشروع و انتخاب ملت سهم داشته باشند. راه دیگر و حذف خطاء است. لذا بر ماست تا برای سمت و سودادن درست امور در سطح امکانات خویش و تحقق امر خیر در هر قدم و هر نفس کار کنیم و ادای رسالت نماییم . ۲۰۱۷/۷/۲

ومن الله التوفیق